

درآمد: شعری به خط مجد الدین مجدی عبد المجید سقزی اردلانی

محیط دانش و حکمت که هر ساعت ز عقل کل  
 زرشک خامهء معجز نگارا و بنا میزد  
 ز شرم نونه خورشید ضمیر او عجب نبود  
 اگر باد خزانی را ز اخلافتش مدد باشد  
 ایا شایستهء مدح و ثنا کز عالم غلوی  
 تو آن سردفتر فضلی که آب خضر جاویدان  
 یکی ابريست عزم راسخت برق اندر او مضمهر  
 بشکر آنکه مجدی را رهاندی از قیود غم  
 ز فیض مدح تو کو زیب دیوان گشت مجدی را

حقایق همچون بو نصرش بام و در فروریزد  
 خوی خجالت دبیر چرخ از پیکر فروریزد  
 که از گردون نیلی بر زمین اختر فرو ریزد  
 ز شاخ رز بجای برگ سیم و زر فروریزد  
 معانی در ثنایت بر ثنا گستر فروریزد  
 ز یمن مدحت از شیرازهء دفتر فرو ریزد  
 کزو بر یارت آب و بر عدوت آذر فرو ریزد  
 ز نوک خامه اش در مدح تو شکر فروریزد  
 ز دیوانش دمامد نافهء اذفر فروریزد

اهدا شده العبد مجد الدین مجدی عبد المجید سقزی اردلانی مقیم طهران

[مهر: مالک الکلام ۱۳۱۲]

پانویشت: قسمتی از کاغذ بریده شده و ممکن است نوشته ای در آن بوده است.

سقزی به فارسی و کردی شعر دارد.

نونه: چاه زنخدان. معنی ماهی هم دارد.

اذفر: خوشبو.